

گناهان دوازده گانه فصل اول

دلاروا می توانست به موفقیت دست یابد . سابقه اش از نظر فساد مالی خراب نبود و برای مملکت هدفهای خوبی در سر داشت . اما عدم قاطعیت و اقدام به موقع و فقدان استراتژی های صحیح باعث شد که آرژانتینی ها اعتماد خود را نسبت به او از دست بدهند . وقتی مردم فهمیدند که وی فاقد قدرت لازم برای اداره کشور است و وضعیت اقتصادی هم رو به وخامت رفته و بر تعداد بی کاران هر روز افزوده می شود ، نا امیدیشان به استیصال مبدل گشت . اندکی بعد مردم سرخورده در اعتراض به سیاستهای رئیس جمهور به خیابانها ریختند و نتیجه اش کشته شدن بیست و هفت نفر بود . دولت حسابهای شخصی را مسدود نمود. انبوه جمعیت جلوی بانکها ازدحام کرده بودند و از دولت می خواستند سیاستهایش را عوض کند . دلاروا مجبور شد تنها پس از سپری کردن دو سال از دوره چهار ساله ریاست جمهوری اش استعفا دهد و با هلی کوپتر از کاخ ریاست جمهوری بگریزد . ضعف سیاسی وی به بهای از دست دادن مقام ریاست جمهوری تمام شد .

در این فصل میخواهیم به یکی از شخصیتهای کتاب مقدسی که با بحرانی مشابه روبرو بود نگاهی بیندازیم. در این فصل خواهیم آموخت که صرف داشتن انگیزه های خوب ، بی مسئولیتی ما را توجیه نمی کند.

مشکل عیلی : کنار آمدن با گناهان دیگران

داستان عیلی را ، کاهنی که چهل سال هدایت قوم اسرائیلی را بر عهده داشت در کتاب سموئیل باب ۲ می یابیم. او ذاتا انسان خوبی بود . نه مرتکب زنا می شد و نه از هدایایی که تقدیم خیمه اجتماع می شد دزدی می کرد . از کلام خدا چنین بر می آید که او انسان صلح جویی بود . با این حال، عاقبتش بسیار غم انگیز شد .

عیلی انسان خوبی بود که ازدست رفت . چرا چنین اتفاقی افتاد ؟ در همان باب ۲ سموئیل درباره پسران عیلی که برای خدا هیچ حرمتی قایل نبودند ، چنین می خوانیم:

« عیلی بسیار سالخورده شده بود و هر چه پسرانش با تمامی اسرائیل عمل می نمودند می شنید ، و اینکه چگونه با زنانی که نزد خیمه اجتماع خدمت می کردند ، می خوابیدند . پس به ایشان گفت : چرا چنین کارها را می کنید ، زیرا که اعمال بد شما را از تمامی این قوم می شنوم .» (اول سموئیل ۲ : ۲۲ - ۲۳) معلوم می شود که وقتی عیلی از اعمال بد پسرانش آگاه شد ، فقط به آنها تذکر داد و به قول معروف پشت دستشان زده بود :

« چنین مکنید ای پسرانم زیرا خبری که می شنوم خوب نیست ، شما باعث عصیان قوم خداوند می باشید. اگر شخصی گناه ورزد ، خدا او را داوری خواهد کرد اما اگر شخصی بر خداوند گناه ورزد ، کیست که برای وی شفاعت نماید ؟ (اول سموئیل ۲ : ۲۴ - ۲۵)

اما با وجودی که عیلی پسرانش را به نرمی سرزنش می کرد ، آنها به تادیب پدر گوش ندادند . دلهای ایشان دیگر سخت شده بود .

با اینکه عیلی دارای انگیزه های خوبی بود ، ولی در برخورد با گناه دیگران ضعیف عمل کرد . او صاحب ردا و دعوت برای رهبری قوم اسرائیلی بود . ظاهرا در جایگاه درستی قرار گرفته بود. با این همه ، مدارایش با گناه به سقوطش انجامید .

سه اشتباه عیلی

عیلی از قدرت اخلاقی لازم برای برخورد شدید و جدی با گناه و شرارت پسرانش برخوردار نبود. او به خاطر ضعف خودش مرتکب سه اشتباه شد. این سه اشتباه بر رهبری موثر وی بر پسرانش و نیز بر کل اسرائیل به شدت تاثیر منفی گذاشت و بر رهبری هر کس دیگری که در اثر ضعف با گناه برخورد نکند، تاثیر منفی خواهد گذارد. باید به هر قیمتی شده از این سه اشتباه بپرهیزیم.

۱ - او بیش از حد اهل مدارا بود

عیلی گذاشت آدمهای بی بند و بار و فاسد در خدمت روحانی باقی بمانند. حفنی و فینحاس در خیمه اجتماع خدمت می کردند، ولی در همان خیمه با زنان همخواه می شدند! وجدان ایشان چنان داغ شده بود که در برابر دیدگاه خدا و قومش مرتکب زنا می شدند! اشتباه عیلی آن بود که با این عمل آنها مدارا می کرد. زمانی می آید که خادم خداوند مجبور است چوب تادیب خود را بردارد.

۲ - او بیش از حد ترسو بود

کلام خدا به ما می گوید که عیلی بسیار سالخورده بود (اول سموئیل ۲ : ۲۲) ما باید خیلی مراقب گناهان دوره کهنسالی باشیم. شاید عیلی احساس می کرده که خیلی پیرتر و خسته تر از آن است که با قدرت جلوی پسران شرور و خود سرش بایستد. شاید آنان با پدر سالخورده و ضعیف خویش با پرخاشگری رفتار می کرده اند.

بدیهی است که کهولت سن با خود ضعف جسمانی به همراه می آورد ولی نباید بگذاریم که با ضعف روحانی همراه شود؛ به عبارتی سالخوردگی باید موسم پختگی و بلوغ روحانی باشد. عیلی با ابراز واکنش بزدلانه به وضعیت پیش آمده، عدم بلوغ خویش را به ثبوت رساند. چقدر غم انگیز است که یک مرد خدا در انتهای زندگیش چنین مفلوکانه سقوط کند، آن هم به دلیل آنکه گذاشته ضعف جسمانی از وی سلب صلاحیت نماید.

۳ - او بیش از حد دیر اقدام کرد

عیلی آنقدر دیر به توبیخ و سرزنش پسرانش مبادرت ورزید که اصلا به حرفش گوش ندادند. دیگر برای مقابله با شرارت پسرانش خیلی دیر شده بود. شاید عیلی با خود فرض می کرده که چون خودش کاهن است یا چون آنها در کنار خیمه اجتماع بزرگ شده اند، پس حتما خداوند را وفادارانه خدمت خواهند کرد. بی تردید او از همان زمانی که پسرانش کودکانی بیش نبودند، نتوانسته بود آنها را به خدمت فرمانبرداری وادارد... یعنی خیلی وقت پیش از آن که وارد خدمت کهنانت شوند و قوم خدا را با شرارتشان تحت تاثیر قرار دهند. شرارت ایشان به قدری عظیم بود که کلام خدا می گوید خداوند خواست که ایشان را هلاک سازد. (آیه ۲۵).

درسهای کلیدی پیرامون اقتدار روحانی

مسئولیت و اقتدار (یا اختیار) دو مقوله مهم هستند که خدا به خاطرشان حساب و کتاب می خواهد. در اینجا هشت درس ارائه شده که می توانند برای همه سودمند باشند.

۱ - خدا رهبران را مسئول و پاسخگو می داند

شکی نیست که پسران عیلی مردان شروری بودند. کلام خدا می گوید: آنان خدا را نشناختند (اول سموئیل ۲ : ۲۲). آنها از نظر اخلاقی فاسد بودند و پیوسته گناهای شرم آور مرتکب می شدند. با این حال خدا به عیلی می گوید: چرا قربانی ها و هدایای مرا که در مسکن خود امر فرمودم، پایمال می کنید؟ (آیه ۲۹)

عیلی در گناهایی که اجازه ارتکابشان را می داد، شریک بود! منظور من از اجتناب از چنین خطایی آن

نیست که مسیحیت را به بچه هایمان تحمیل کنیم ، بلکه می گویم اگر در کلیسا صاحب اقتدار و اختیاری هستیم ، باید آنانی را که مرتکب گناه می شوند ، بدون مدارا و چشم پوشی از خدمت برکنار نماییم حتی اگر این افراد فرزندانمان باشند . به عبارت دیگر برای دوری گزیدن از این خطا باید در حیطه مسئولیت خود ، همه چیز را در ارتباط با خدا اصلاح کنیم .

من شبانانی را میشناسم که فرزندان زناکار خودشان را کادر خادمان کلیسایشان استخدام کرده اند . البته این می تواند تجربه ای استثنائی باشد . اما مواردی هست که شبانی صرفا به دلیل حفظ آبروی خود و خانواده اش، از گناهان فرزندش چشم می پوشد ، این اسفناک است چون نبود انضباط کتاب مقدسی به گناه این اجازه را می دهد که پیکره کلیسا مثل سرطان رشد کند .

یک شبان ارشد نمی تواند از داشتن فرزندگی گناهکار جلوگیری کند ، اما می تواند دست او را از خدمت کلیسایی کوتاه نماید . اگر آن خادم فرزندش هم نباشد ، باز همان قاعده پابرجا است . یک رهبر روحانی نباید با خادمانی که از لحاظ اخلاقی فاسد شده اند ، مدارا کند ، حتی اگر آنها ده یک های کلان بپردازند و در جماعت نفوذ یا سابقه ایمانی زیاد داشته باشند و یا از خویشان و بستگانشان باشند.

۲ - خدا جایگاه دوم را هرگز نخواهد پذیرفت

خدا از عیلی پرسید : چرا پسران خود را زیاده از من محترم می داری ؟ (آیه ۲۹) . خدا دوست ندارد نقش دوم را بازی کند . او می خواهد اول باشد . او آشکارا به ما می گوید : زیرا یهوه خدایت ، آتش سوزنده و خدای غیور است . (تثنیه ۴ : ۲۴)

عیلی با عدم برخورد با شرارت پسرانش ، عملا علایق و خواسته های ایشان - و البته گناهانشان - را برتر از علایق و مطالبات خدا قرار داد . هرگز مجاز نیستیم آنچه را که برای فرزندانمان - عزیز و ارزشمند است ، بر اراده خدا مقدم قرار دهیم . این کار یعنی بت پرستی .

۳ - خدا این حق را دارد که وعده هایش را پس بگیرد

بسیاری از وعده های خدا تنها با بهایی گزاف - فرمانبرداری ما - تحقق می یابند . با وجودی که خداوند به عیلی وعده داده بود که خاندانش تا به ابد او را خدمت خواهند کرد ، ولی به خاطر نا اطاعتی عیلی ، خدا تغییر عقیده داد و وعده اش را ملغی نمود و لعنت جای وعده خدا را گرفت :

بنابر این یهوه خدای اسرائیل می گوید : البته گفتم که خاندان تو و خاندان پدرت به حضور من تا به ابد سلوک خواهند نمود ، لیکن الان خداوند می گوید: حاشا از من ! زیرا آنانی که مرا تکریم نمایند ، تکریم خواهم نمود و کسانی که مرا حقیر شمارند ، خوار خواهند شد . اینک ایامی می آید که بازوی تو را و بازوی خاندان پدر تو را قطع خواهم نمود که مردی پیر در خانه تو یافت نشود . و تنگی مسکن مرا خواهی دید ، در هر احسانی که به اسرائیل خواهد شد ، و مردی پیر در خانه تو ابد نخواهد بود و شخصی را از کسان تو که از مذبوح خود قطع نمی نمایم . برای کاهیدن چشم تو و رنجاندن دلت خواهد بود و جمیع زریه خانه تو در جوانی خواهند مرد (اول سموئیل ۲ : ۳۰ - ۳۳)

۴ - خدا می تواند کسی دیگر را جایگزین سازد

دعوتها و عطایای خداهمه برگشت ناپذیرند . آنچه او برای ما مقدر فرموده دائمی است ، اما نا اطاعتی ما میتواند بهترین نقشه های او را تحت الشعاع خود قرار دهد . خدا پس از لعنت کردن خدمت عیلی و خاندانش، فرمود :

کاهن امینی به جهت خود برپا خواهم داشت که موافق دل و جان من رفتار خواهد نمود و برای او خانه مستحکمی بنا خواهم کرد و به حضور مسیح من پیوسته سلوک خواهد نمود . (اول سموئیل ۲ : ۳۵)
آن وقت خدا سموئیل کاهن امین خود را برپا داشت . چقدر تصمیم راسخ حنا برای تربیت پسرش در

طریق خداوند و آماده شدنش برای خدمت با نگرش عیلی که در قبال گناهان و قیحانه پسرانش در حضور خداوند تنها به سرزنش ملایم بسنده کرد ، تفاوت دارد . حنا با خدا عهد بسته بود که پسرش او را و فقط او را خدمت کند : ای یهوه صبا یوت ، اگر فی الواقع به مصیبت کنیز خود نظر کرده ، مرا به یاد آوری و کنیزک خود را فراموش نکرده ، اولاد نکوری به کنیز خود عطا فرمایی ، او را تمام ایام عمرش به خداوند خواهم داد و استره بر سرش نخواهد آمد . (اول سموئیل ۱ : ۱۱) . باید به یاد داشته باشیم که عیلی به این دعای حنا برای فرزندش خندید . او نه مصیبت آن زن را درک کرد و نه به اشتیاقش برای بر پا شدن نجات دهنده ای برای اسرائیل احترام گذاشت . صحت این مدعا از آنجا ثابت می شود که او پسران خود را که به خدا توهین و تمسخر روا داشته بودند ، برای خدمت برپا داشت . شاید بهتر باشد از « طرز تفکر خدا » درس بگیریم تا مرتکب گناه عیلی نشویم .

۵ - خدا ممکن است بیش از حد سختگیر به نظر برسد

چرا چنین مجازات سختی را بر عیلی تحمیل کرد ؟ چون خدا به او اعتبار و اقتدار زیادی داده بود . در رساله یعقوب ۲ : ۱۰ چنین می خوانیم :

برادران من ، مباد که بسیاری از شما در پی معلم شدن باشند ، زیرا می دانید که بر ما معلمان ، داوری سخت تر خواهد بود .

کلام خدا صریح و روشن است : هر که به او بیشتر داده شود بیشتر نیز مطالبه خواهد شد ؛ و هر کس که مسئولیتش بیشتر باشد ، پاسخگوئی اش نیز بیشتر خواهد بود (لوقا ۱۲ : ۴۸) . به عیلی وظیفه خوراک دادن و مراقبت از قوم محبوب خدا محول شده بود . او نمی توانست با بی دقتی و روی گرداندن از نظاره گناهان و اعمال شرارت آمیز پسرانش در حق قوم خدا ، از خود سلب مسئولیت کند . او به اعتماد خدا خیانت کرد و در پاسخ هم زهر مجازات سخت خدا را چشید . البته ما می دانیم که خدا رحیم است و هر گاه خویشتن رافروتن ساخته توبه کنیم گناهان ما را خواهد آمرزید . اما رحمت خدا همیشه هم باعث نمی شود که او بر وعده های خاصش نسبت به ما پایبند بماند . او ممکن است از رهبرانی که نافرمانی می کنند سلب صلاحیت کند .

۶ - فقدان توان اخلاقی خطرناک است

سازشکاری عیلی با گناه ، عامل سقوط وی بود . خدا روی خود را از حضور شرارت در کلیسایش بر نمی گرداند او با کسانی که با وجود گناه در کلیسا جدی برخورد نمی کنند ، خیلی سخت و جدی برخورد خواهد کرد . حفنی و فینحاس ، هردو به خاطر نا اطاعتی شان مردند . خاندان عیلی ملعون شد و خود عیلی هم با دیدن این واقعیت که خانواده اش محصول شرارت پسرانش را درو می کنند ، سخت در اندوه فرو رفت :

اینک ایامی می آید که بازوی تو را و بازوی خداندان پدر تو را قطع خواهم نمود که مردی پیر در خانه تو یاقت نشود و تنگی مسکن مرا خواهی دید ، در هر احسانی که به اسرائیل خواهد شد ، و مردی پیر در خانه تو ابد نخواهد بود . و شخصی را از کسان تو که از مذبح تو قطع نمی نمایم برای کاهیدن چشم تو و رنجانیدن دلت خواهد بود و جمیع ذریت خانه تو در جوانی خواهند مرد . (اول سموئیل ۲ : ۳۱ - ۳۳)

۷ - بی مسئولیتی در روابط ، ایخابود را به زمین می آورد

ایخابود یعنی « جلال زایل شده » . خیلی وقتها جلال خدا به دلیل آنکه رهبری به فساد اجازه ورود داده ، درحالی که قدرت جلوگیری از ورودش را داشته ، قوم خود را ترک میکند . در چندین نمونه از کتاب مقدس می خوانیم که حتی صندوق عهد که نماد حضور خداست نتوانست قوم خدا را از پیامدهای رهبری فاسد رهایی بخشد .

پس از آنکه بنی اسرائیل در جنگ با فلسطینیان چهار هزار نفر از مردان خود را از دست دادند ، تصمیم گرفتند صندوق عهد را از شیلوه بیاورند تا ایشان را در برابر دشمنان محافظت کند (نگ به اول سموئیل ۴ : ۱ - ۱۰). ایشان در پی صندوق عهد فرستادند . دو پسر شرور عیلی نیز به همراه صندوق عهد به اردوی اسرائیل پیوستند . فلسطینیان باز به ایشان حمله ور شدند و این بار سی هزار سرباز را کشتند ، صندوق عهد را به غنیمت بردند و دو پسر عیلی هم جان خود را از دست دادند . حضور صندوق عهد نتوانست بنی اسرائیل را در برابر داوری خدا که به واسطه فلسطینیان انجام می گرفت ، محافظت کند . حضور خدا در کلیسایان ، بر گناه سرپوش نمی گذارد . افزایش حمد و پرستش نمی تواند داوری خدا را از کلیسایی که در آن فساد هست برگرداند . می توانیم صدای موسیقی را بیشتر کنیم و بلندتر موعظه کنیم و اصلا فریاد بکشیم . ولی اگر گناهی را مخفی کنیم ، جلال خدا در آن مکان نخواهد ماند .

۸ - کسی که عطای رهبری (هدایت) کلیسا را دارد ، با پشتکار و جدیت رهبری کند حتی با وجودی که جسمان رو به پیری و سستی میرود ، باید در روح قوت خود را حفظ کنیم . پولس رسول می فرماید :

هر چند انسان ظاهری ما فرسوده می شود ، انسان باطنی روز به روز تازه تر می گردد . (دوم قرنتیان ۴ : ۶)

باید به سالخوردگی روحانی « نه » بگوئیم . تا روزی که زنده هستیم هر روز تازه تر می شویم و هر چند بیشتر و بیشتر به شباهت مسیح در می آییم . خدا به ما هرگز اجازه « بازنشستگی » روحانی نمی دهد . پلی کارپ (polycarp) اسقف شهر اسمیرنا با اینکه بیش از هشت دهه از عمر خود را پشت سرگذاشته بود ، آنقدر روی زانوان دعا می کرد که زانوهایش میخچه در آورده بود . ولی نه اقتدار روحانی خویش را از دست داد و نه از لحاظ اخلاقی پیر شد . او تمام اصولی را که در مدت عمرش پیروی کرد ، تا به آخرین لحظه زندگی حفظ نمود .

شبی پلی کارپ در خواب دید که بالمشش آتش گرفته است . بامداد روز بعد به دوستانش گفت : « من قرار است زنده در آتش سوزانده شوم » . آن خواب اصلا او را نترسانید ، چون قدرت خدا را بر خود داشت . تن نحیف او حتی در سنین بالای هشتاد نیز روحی پرتوان را در درون خود حمل می کرد و بی صبرانه منتظر بود تا عیسی این بدنش را قیام دهد .

سه روز پس از آن شبی که پلی کارپ خواب دید ، سربازان به خانه اش ریختند و دستگیرش کردند . او را به محلی که از پیش برای سوزاندن وی آماده کرده بودند ، بردند و به تیری بستند و همیشه زیر پایش را روشن کردند . در طول مدتی که هیزم ها مشغول سوختن بودند ، پلی کارپ با چنان شور و حرارتی خداوند را پرستش می کرد که اصلا فراموش کرده بود بر شعله های آتش ایستاده است . قدیس سالخورده دریافته بود که شعله های آتش خدا در درون قلبش قوی تر از شعله های آتش جفا کنندگان است .

حکم اعدام پلی کارپ در استادیومی به اجرا در آمد که مملو از تماشاچیان تشنه خون بود . آنان در محل مزبور گرد آمده بودند تا شاهد مرگ یکی از کسانی باشند که در راه آرمان والایش شهید می شود . ولی هر چه آتش می سوخت او نمی مرد . افسران نظامی در شگفت بودند که چرا شعله های آتش پلی کارپ را نمی سوزاند . سرانجام به سربازان دستور دادند بدن او را با نیزه سوراخ کنند . در تاریخ ثبت شده که پلی کارپ به ضرب نیزه شهید شد - نه به وسیله آتش !

پیش از مرگ پلی کارپ ، مقامات شهر به او هشدار داده بودند که : « گوش کن ، تو می توانی جان خودت را از کام شعله های آتش برهانی . تنها کاقی است عیسی را انکار کنی »

سخنان پلی کارپ در ورای صدها سال تاریخ مسیحیت هنوز در گوش ما طنین انداز است : « هشتاد و شش سال او را خدمت کرده ام و حتی یکبار هم در حقم بدی نکرده ، پس چگونه می توانم به شاهم کفر بورزم ، او که رهاننده من است ؟ »

امروز هر ایماندار باید تصمیم بگیرد که با عزم راسخ به خاطر مسیح بایستد . باید مصمم باشیم که از لحاظ اخلاقی به خود ضعف راه ندهیم . باید در زندگی متعهد باشیم و تا پای جان - اگر لازم شد - بر این تعهد نسبت به مسیح بایستیم .

نتایج متفاوت

این موضوع برای ایمانداران گیج کننده است که می بینند خادمان خداوند که به ظاهر برای خداوند کارهای عظیمی انجام میدهند ناگهان نسبت به تعهد روحانی خویش خیانت میکنند و مرتکب گناهی خانمان برانداز میشوند . چنین رفتار شرم آوری غیرقابل جبران به نظر می رسد . چگونه انسانهای با خدا میتوانند اعمال غیر خدایی انجام دهند ؟

همه ما در مورد رهبران مسیحی که در دام زنا و بی بند و باری افتاده اند ، یا سر دولت کلاه گذاشته اند یا موجودی کلیسا را بالا کشیده اند و نظایر آنها داستانها شنیده ایم . این روزها کلیساهای آمریکا گرفتار یک رسوایی شده اند . خادمان کلیساهای به اصطلاح پر از روح در ورطه زنا ، همجنس بازی و تجاوز به کودکان سقوط کرده اند . در بعضی موارد هم دیده می شود که همین خادمان سقوط کرده خیلی زود به موقعیت پیشین خویش در کلیسا باز می گردند.

اگر ضعف را در درونمان مخفی کنیم ، اعمالمان از این هم وحشیانه تر خواهد شد . من در طی سالها با برخی از خادمان خداوند مشورت کرده ام که گفته اند : « نمی دانم چه اتفاقی افتاد ، ولی کاملا مستعد بودم که فلانی را بزنم . خشونت و وحشی گری درونم برای خودم هم شگفت آور بود » شاید دانستن این مطلب برایتان تکان دهنده باشد که یکی از مسائل جدی کلیسای امروز وجود خوی وحشی گری حیوانی است . این امر حتی به خانه بعضی از خادمان نیز سرایت کرده است . ضعف روحانی می تواند عامل بروز واکنشهای خطرناک از سوی ما شود . پس چاره ای نداریم جز اینکه به طور پیوسته در قوت روح خدا گام برداریم . چگونه از این لغزشهای مهلک دوری کنیم ؟ چرا در کلیسای معاصر چنین بحران اخلاقی ای به وجود آمده ؟ به عقیده من همه اینها به خاطر وجود گناه روحانی غفلت است .

روزها از پس هم و سالها از پی یکدیگر می آیند و ما از بدنهایمان ، خانواده هایمان و کلیساهایمان غافلیم؛ آن وقت ناگهان باهراس از خدا می پرسیم که چرا مرتکب چنین لغزشی شدیم . سالها پیش آموختم که قوت روحانی یک تصمیم و گزینش است که خود شخص باید آن را اتخاذ نماید . قوت عطا نیست ؛ یک استعداد ویژه هم نیست . قوت ، گزینش ایمان ماست . خداوند به یوشع فرمود : قوی و دلیر باش ، مترس و هراسان مباش زیرا در هر جا که بروی یهوه خدای تو با توسل (یوشع ۱ : ۹)

خدا نه تنها به شما قوت خواهد بخشید ، بلکه دلیری را نیز در درونتان خواهد برانگیخت . کتاب امثال مرد پارسایی را که به ضعف مجال رخنه می دهد به « منبع فاسد » تشبیه کرده است (امثال ۲۵ : ۲۶) . این فساد زمانی ایجاد می شود که ما قوت روحانی خود را از خدا نگیریم و در مقابل نسبت به وقت دادن به کلامش ، دعا و شکل دادن یک رابطه درست با او غفلت ورزیم . با این غفلت جا را برای ضعف باز کرده ایم . با اینکه عیلی مرد پارسایی بود و در مسند کهنات در خانه خدا خدمت می کرد ، ولی از رابطه اش با خدا غافل شد و به دام رخوت روحانی افتاد و میدان را برای پسران شریرش خالی کرد . در نتیجه زندگی خود و فرزندانش را به نابودی و ملتی را به انحطاط روحانی کشاند.

در سال ۲۰۰۲ یک رسوایی بزرگ در کلیسای کاتولیک کشف شد . بر طبق گزارشهای منتشر شده ،

معلوم شد که اسقفان کاتولیک که از تجاوزهای جنسی کشیشهای خود آگاهی داشتند ، گناه آنها را به نوعی توجیه و حتی ایشان را به حوزه های دیگر فرستاده بودند تا گناهانشان همچنان مخفی بماند . به کشیشانی که به پسر بچه های معصوم تجاوز کرده بودند ، اجازه داده شد که به خدمت خویش در کلیسا ادامه دهند.

در بسیاری از کلیساهای دیگر همین سازشکاری روحانی به چشم می خورد . شبانانی هستند که به خاطر غفلت روحانی دست به گناهان هولناکی زده اند . آنان با سازشکاری و کنار آمدن با کسانی که مرتکب گناه شده اند به کلیسا لطمات بزرگی زده اند ؛ آن هم به چه دلایلی ؛ ترس از اینکه اگر جلوی گناه فلانی بایستند او از کلیسا خواهد رفت و مثلا یک منبع مالی خوب را از دست خواهند داد . بعضی وقتها هم شبان جلوی گناه را در کلیسا نمی گیرند ، به این خاطر که می بینند با وجود همه ضعفها و گناهان ، کلیسا کماکان در حال رشد و شکوفایی است .

من معتقدم شیطان دوست دارد با ما معامله کند . او به ما می گوید : « تو مواظب رشد کلیسایت باش . اصلا نگران بی بند و باری اخلاقی که در اطرافت می بینی نباش ؛ اینقدر افراطی نباش . حواست به رشد جماعت خودت باشد ، مراقبت از شهر تو هم با من » . شریر از رشد کلیسا واهمه ندارد . مادامی که در زمینه تقدس وارد بیداری روحانی نشده ایم ، او اصلا اهمیت نمی دهد که کلیسای ما چقدر بزرگ است . بعضی از رهبران مسیحی به دلیل باج دادن به شیطان تا یک قدمی بیداری پیش می روند ولی هرگز به آن نمی رسند . آنان حتی متوجه نیستند که خدا بر درشان نوشته « ایخا بود »

ایلی می خواست در خانواده اش آرامش برقرار بماند . او چگونه میتواندست فرزندانش را تنبیه و در ملا عام توبیخ کند و از کار بر کنار نماید ؟ از همه مهمتر ، آبروی او لطمه می خورد ! خدا به او اختیار مراقبت از خیمه اجتماع را بخشیده بود ، ولی او نتوانست تصمیم مقتضی بگیرد . شاید او با خود می اندیشید : بالاخره روزی مجبورم در مورد پسرانم دست به کاری بزنم ولی او هرگز جرات عملی ساختن فکرش را پیدا نکرد . « روزی » هرگز نیامد . شاید فکر می کرده که هر اقدامی به بهای گزافی تمام خواهد شد . خلاصه عیلی هر دلیلی داشته ، آگاهانه اجازه داد در زیر ردای رهبری اش گناه ادامه پیدا کند . اگر در کار رهبری کلیسا به افراد بدکاره اجازه مشارکت بدهید ، حتی اگر هم اکنون خدمتتان شکوفا باشد ، دیر یا زود زندگی و خدمتتان تباه خواهد شد . اگر در میان خود به فرزندان شرارت اجازه فعالیت بدهید ، باعث لعنت شدن کلیسایتان و خدمتتان خواهید شد . باشد که خدا به ما قوت و حکمت بدهد تا به عنوان رهبران مسیحی سرمشق صداقت و ثبات شخصیت باشیم .

عزم خود را جزم کنید تا در قدوسیت خدا زیست نمائید ، حتی اگر این تصمیم به قیمت از دست رفتن تمام درآمد یا حتی خدمتتان تمام شود خودتان را به هیچ چیزی نفروشید . با شیطان معامله نکنید . وقتی برای زیستن در تقدس و پاکی دست از همه چیز خود بشوید ، آن وقت رشد کلیسا تنها چیزی نیست که تجربه اش خواهید نمود . جلال خدا کلیسایتان را فرو خواهد گرفت خدا به دنبال کسانی می گردد که بخواهند در شکاف بایستند - در شکاف تقدس - تا او به خاطرشان داوری خود را بر شهرشان نازل نکند .

سخنی ویژه با کسانی که در کلیسا صاحب اختیاراتی هستند
اگر خدا شما را در جایگاهی قرار داده که مثل عیلی در بدنش از اقتدار و اختیار روحانی برخوردارید ، پس بدانید که واجب است که در تمام زوایای زندگی خود به دنبال ضعفی اخلاقی یا روحانی بگردید و هرگاه آن را یافتید ، درمانش کنید . در بدن مسیح ما باید در مشارکت با دیگر ایمانداران کار کنیم . هر ضعفی در زندگی خود یافتید ، تصمیم بگیرید در آن زمینه با جدیت هر چه تمام تر از خداوند قوت

بگیرید . توصیه های زیر به شما کمک می کنند تا در مرحله گذر به تقدس عمیق تر قوی و پاک بمانید .
از شخص دیگری که صاحب اقتدار روحانی است مشورت و ارشاد بگیرید
وقتی فاقد اقتدار روحانی هستید ، کسی را بجوئید که این اقتدار را دارد و آنگاه به او نزدیک شوید .
زمانی که من در آرژانتین در مدرسه کتاب مقدس مشغول تحصیل بودم ، تصمیم گرفتم دیگر در جلساتی
که در عبادتگاه (Chapel) مدرسه تشکیل می شد شرکت نکنم . این جلسات اجباری بودند ولی من فکر
می کردم در تنهایی از وقتم بهتر می توانم استفاده کنم . سرودهای مسیحی می سرودم ، دعا می کردم و
کلام می خواندم .

روزی مدیر مدرسه که هم دوستم بود و هم استادم ، علت غیبتم را از عبادتگاه مدرسه پرسید . با اعتماد
به نفس زیادی (و غرور جوانی) به او گفتم : « تنها چیزی که احتیاج دارم ، خدا و کتاب مقدس و
خودم است » ، یعنی اینکه به مشارکت با دیگران در جلسات عبادتی نیازی ندارم .

مدیر نگاهی جدی به من انداخت و گفت : « سرجیو ، روح عدم وابستگی به دیگران ، روح مسیح
نیست .» این توبیخ معلم را همیشه در تمام مراحل زندگیم آویزه گوش خود ساخته ام . از آن روز به بعد
عدم وابستگی خودخواهانه و کناره گیری از جمع را گناه می دانم . از آن به بعد دلم همواره به سوی
وحدت ، احترام متقابل و همکاری متمایل بوده است .

اگر در سمت رهبری یک خدمت کلیسایی قرار دارید ، ولو از خداوند نه تایید و نه قوت دارید ، لازم
است دست به دامان خادم دیگری شوید تا او شما را برپا دارد . به نزد آن برادر بشتابید و بگوئید : «
برادر ، من قوت اخلاقی ام را از دست داده ام . دیگری برای اعمال کردن نظم و انضباط در کلیسا
اقتدار ندارم . به کلی گنج شده ام . کمک کن .»

این اشتیاق به فرمانبرداری و حرف شنوی کلیسا را شفا خواهد بخشید . بدن مسیح از این طریق به
بهترین نحو عمل می کند . پولس این دیدگاه را در رساله اولش به کلیسای فرنسس چنین تشریح می کند :
اما خدا بدن را چنان مرتب ساخته که حرمت بیشتر نصیب اعضایی شود که فاقد آند ، تا جدایی در بدن
نباشد ، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند . و اگر یک عضو دردمند گردد ، همه اعضا
با او همدرد باشند ؛ و اگر یک عضو سرافراز شود ، همه در خوشی او شریک گردند . (۱۲ : ۲۵ - ۲۶)

از مسیح که از خود هیچ ضعف اخلاقی نشان نداد ، سرمشق بگیرید
کتاب مقدس میگوید که در بره خدا هیچ عیبی نبود (اول یوحنا ۱ : ۵) . او در تقدس کامل سلوک می
کرد ، نه آنگونه که ما تحسین اش نماییم ، بلکه آن گونه که بتوانیم از او سرمشق بگیریم (افسسیان ۵ : ۱)
(اگر ایمان داریم که مسیح در کمال پاکی زیست و سلوک کرد ، و اگر ما پیروان او هستیم ، پس ما
هم باید در پاکی سلوک نماییم .

اگر به شریک فقط یک دقیقه مجال بدهید ، زندگیتان را نابود خواهد کرد . من برای حفظ صفای اخلاقی
خویش با چشمانم عهدی بسته ام . من به سرتاسر جهان سفر می کنم و پیوسته از فرودگاهی به فرودگاه
دیگر می روم و دایما مناظری از جلوی چشمانم می گذرد که خوب نیست و اکثرا هم در مواقعی که
اصلا انتظارشان راندارم . اما با چشمانم قرار گذاشته ام که به هیچ زنی نگاه نکنم و به او و به چشم
خریدار نگاه نکنم . اگر چشمانم بیش از یک ثانیه بر روی صحنه ای که خوب نیست بماند ، هر جا که
باشم همانجا زانو میزنم و طلب آمرزش می کنم . دوست دارم از همان معیار تقدسی که عیسی بهره مند
بود ، برخوردار باشم .

من غالبا در سفر هستم . در این مواقع مجبورم بیشتر شبها را در اتاقهای هتل به سر ببرم . این موضوع

میتواند برای خادمانی که در سفر هستند وسوسه ای بزرگ باشد ، چون خیلی از هتلاها از تلویزیون فیلمهای پورنوگرافی پخش می کنند . از این رو به محض اینکه وارد اتاق هتل می شوم معمولا حوله ای روی تلویزیون می اندازم و با قرار دادن کتاب مقدس بر روی آن ، تلویزیون را تبدیل به محراب می کنم . من با این روش اتاق و زندگیم را برای خدا تقدیس میکنم تا هرگز تسلیم وسوسه نشوم .

چنین آموخته ام که باید نسبت به موضوع تقدس به صورت افراطی برخورد کنیم ! از این رو می گویم : « خداوندا ، حتی اگر مجبور باشم هر پنج دقیقه یکبار زانو بزنم ، حتی اگر شلوارم پاره شود ، حتی اگر موقع موعظه همه لباسهایم چروک باشد ، من ترجیح می دهم لباسهای چروک شده بپوشم ولی در روح هیچ چین و چروک نباشد .»

امروزه بسیاری از خادمان ارزشمند خدا وسوسه می شوند از طریق اینترنت به تماشای فیلمهای پورنوگرافی بنشینند ، چون این راه بسیار بی دردسر است . به این گونه افراد می گویم که باید نسبت به گناه بی رحم باشید . اگر لازم شد ، حتی کامپیوترتان را از برق بکشید و از دستش خلاص شوید ! بی اینترنت باشید بهتر از آن است که به خاطر سازش با گناه خدمت روحانی خویش را از دست بدهید . اگر تعهد خودتان را به خداوند روز به روز و لحظه به لحظه حفظ کنید و تازه نگه دارید ، قدرت و اقتدار بیشتری وارد زندگیتان خواهد شد . خدا انزجاری مقدس نسبت به گناه در دلهایتان ایجاد خواهد کرد . آنوقت در عین حال که با گناه سازش نخواهید کرد ، گناهکاران را از صمیم قلب دوست خواهید داشت .

در ابراز واکنش به گناه تند عمل کنید

شبانیکه در کلیسایش وجود گناهی را زود تشخیص می دهد - یا ایمانداري که به گناه در زندگي خودش پی ميبرد - ولي احساس مي کند که از قدرت اخلاقي کافي براي مقابله با آن برخوردار نيست ، بايد بي درنگ دست به کار شود . او مي تواند شروع به روزه گرفتن ، دعا کردن و مشورت گرفتن نمايد . مي تواند پيش شبان ديگري رفته بگويد: « در کليسايم (يا زندگيم) گناهي وجود دارد . اگر فرد گناهکار را تشبيه کنم ، نيمي از اعضا ، کليسا را ترک خواهند کرد (يا من قدرت ندارم خودم راتحت انضباط قرار دهم) . شبان عزيز به من کمک کن . به من قدرت بده چون مي خواهم مقدس زندگي کنم . »

بسياري از خادمان تقدس شخصي را اعمال مي کنند ولي قادر به اعمال تقدس خدمتي نيستند . عيلى هدفهاي بزرگي داشت . او چهل سال تمام قوم اسرائيل را رهبري کرده بود ، ولي واپسين نتايج خدمتش واقعا خانمان برانداز بود . خاندانش تا به ابد مورد داوري قرار گرفت . خدا نه تنها به خاطر شرارت شخصي مان ما را داوري مي کند ، بلکه به خاطر شرارت کساني که تحت نظر ما خدمت مي کنند و ما در جهت اصلاحشان هيچ اقدامي نکرده ايم نيز ما را مورد داوري قرار خواهد داد .

امروز را روز تپهير قرار دهيد . اموال و دارايي خود را در تقدس شستشو دهيد . اگر در زمينه مالي در کليسايتان دست به ا ختلاس يا کلاهبرداري زده ايد يا به خزانه دارتان گفته ايد براي پنهان نگهداشتن جزئيات دروغی کوچک بگويد ، پس همين امروز تصميم به عوض شدن بگيريد . اگر با گناهي که در ميانتان هست برخورد نکنيد ، در راهي قدم گذاشته ايد که عيلى رفت . گناه هميشه به مرگ منتهي مي شود !

به منظور احياي اخلاقي خود ، آتش خدا را بياييد

بعضي ها روح القدس را دارند ولي آتش روح القدس را ندارند . حضور خدا را احساس مي کنند و در اين حال مو بر تنشان راست مي شود و برخي تجليات کاريزماتيک يا تجليات روح القدس و عطايای او را تجربه مي کنند ، ولي آن اقتدار اخلاقي را که براي اصلاح زندگي يا کليسايشان لازم است ، ندارند .

خدا تک تک ما را به یک زندگی کاملاً مقدس فراخوانده است . بهای این زندگی مقدس هم اصلاً مهم نیست. هر کس می خواهد زندگی پارسایانه ای داشته باشد باید متحمل رنجها و زحمات شود . پطرس این مطلب را به روشنی بیان کرده است :

پس چون مسیح در عرصه جسم زحمت کشید، شما نیز به همین عزم مسلح شوید ، زیرا آن کس را که در عرصه جسم رنج کشیده ، دیگر با گناه کاری نیست . (اول پطرس ۴ : ۱)

معنای این آیه چیست ؟ شاید سخنان عیسی را راحت تر بتوان فهمید : « در این دنیا برای شما زحمت خواهد بود » (یوحنا ۱۶ : ۳۳) . از زیر باز زحمت و آزار دنیا شانه خالی نکنید .

تقدس اغلب با رنج و آزار آغاز می شود . اما بر کسانی که متحمل رنج و آزار می شوند تا تقدس خود را حفظ کنند ، جلالی وصف ناپذیر فرود خواهد آمد . پس از آزار دیدن نهراسید . حتی اگر شما را مثل پولس و سیلاس روانه زندان کردند ، برای خداوند سرود بخوانید و او را بپرستید . تقدس در راه است ، زمین لرزه ای رهاننده بر شما و اهل خانه تان نازل خواهد شد و زندانیانتان و شهرتان مثل زندانبان پولس و شهر فیلیپی ایمان خواهند آورد و با آتش خدا بیدار خواهند شد .

دعای توبه

پدر ، مرا به خاطر مواقعی که در ضعف و رخوت روحانی فرو رفته ام ببامرز . نمی خواهم مثل عیسی نسبت به تو گناه ورزم . به من فیض عطا کن تا از دامهای گناه بپرهیزم . هر وقت وسوسه می شوم تا نسبت به گناه غفلت یا سازش کنم ، کمک کن تا با آن مقابله نمایم . به من دلیری بده تا هر وقت کسی را می بینم که گناه را چون سرطان در کلیسایت اشاعه می دهد ، به او هشدار دهم . و یاریم کن تا هر گاه دوستان و خانواده نیاز به اصلاح اخلاقی دارند ، حقیقت را بدیشان بگویم . به نام عیسی مسیح آمین .